



درس دهم
زندگی در دنیای
امروز^۱

۱- احکامی که در این درس آمده، گرچه عموماً مشترک میان مراجع بزرگوار است، اما عبارات‌ها بیشتر از فتاوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، استخراج شده است.

عمل به احکام و راهنمایی خداوند، در دنیای پیچیده امروز، تنها شیوه مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجهه با مسأله‌هاست. در دنیایی که برترین معیارها و ارزش‌ها و مقدس‌ترین حقیقت‌ها تخریب می‌شوند، بسیاری از باطل‌ها را حق و حق‌ها را باطل جلوه می‌دهند، سهل‌انگاری در عمل و بی‌توجهی به احکام خداوند، قرار دادن خود بر لبه پرتگاهی است که سقوط به وادی‌های هولناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت. خداوند همین خطر را به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

<p>آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بی‌ریزی کرده بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند.</p>	<p>أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَاتَّهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ</p> <p style="text-align: right;">توبه ۱۰۹</p>
--	---

چرا برخی این راه یقینی را نادیده می‌گیرند و به این در و آن در می‌زنند و فرصت‌های زندگی را از دست می‌دهند؟

قبل از بیان برخی از احکام ضروری، توجه به دو نکته لازم است:

۱- هریک از احکام و دستورات خداوند، دارای علت خاصی است. اگر خداوند مهربان ما را به انجام کاری فرمان داده، حتماً آن کار به نفع ما بوده است. و اگر از کاری منع کرده حتماً آن کار به ضرر ماست. قرآن کریم می‌فرماید:

«چه بسیار چیزهایی که شما آنها را خوش نمی‌دارید، درحالی که برای شما خوب است و خداوند به آنها فرمان داده و چه بسیار چیزهایی که دوست می‌دارید و آنها برای شما بد است و خداوند آنها را منع فرموده است. زیرا خداست که بر هر چیزی آگاه است ولی شما این گونه نیستید.»^۱

۲- ممکن است ما انسان‌ها علت برخی از احکام را درک نکنیم، به خصوص وقتی که ببینیم

برخی از جوامع امروزی برخلاف آن احکام عمل می‌کنند. در این قبیل موارد باید به عقل و خرد خود مراجعه و توجه کنیم که علم ما نسبت به علم و حکمت خداوند، بسیار ناچیز است و بنای زندگی بر پایه علم خداوند است که خوشبختی و سعادت را به ارمغان می‌آورد.

برخی از احکام زندگی در دنیای امروز

الف) ورزش و بازی

۱- بازی، ورزش و بازی‌های ورزشی^۱ که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می‌شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و پاداش اخروی دارد.



۲- کسانی که برای تقویت رابطه صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در بازی‌ها و ورزش‌های دسته‌جمعی پیش‌قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند شد.

۳- شرط بندی، از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آنها، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی، حرام می‌باشد.

۴- قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده‌اند، اگرچه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار نیز حرام می‌باشد. یکی از دلایل حرمت می‌تواند این باشد که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینه پیدایش قمار در جامعه فراهم نشود.^۲

۵- دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این تبت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید رو آورند و سلامتی جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکویی کرده‌اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.

۶- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی^۳ است.

۱- بازی مجموعه فعالیت‌هایی است که برای نشاط و تفریح انجام می‌شود. ورزش مجموعه حرکتی است که برای سلامتی جسمانی و تقویت اندام‌هاست. بازی‌های ورزشی، آن دسته از بازی‌هایی هستند که هم سبب نشاط و فرح می‌شود و هم به تقویت اندام‌ها کمک می‌کند، مانند فوتبال، والیبال، دو و میدانی و بسیاری از بازی‌های محلی.

۲- رساله اجوبه الاستفانات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۳- واجب کفایی، عملی است که بر همه واجب است و اگر کسانی در حد کفایت به آن اقدام کنند، از دوش دیگران برداشته می‌شود.

۷- بازی با ابزار قمار از طریق رایانه، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می‌باشد.^۱

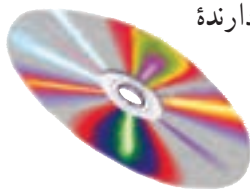
ب) فرهنگ و ارتباطات^۲



۱- تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به تیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در شرایط ضروری، واجب کفایی است.

۲- تولید سایت‌ها در شبکه اینترنت به منظور اشاعه فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتدال اخلاقی، مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند، باید به تولید آن مبادرت ورزند.

۳- تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتدال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.



۴- تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که در بردارنده تصاویر یا متونی که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا در بردارنده موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین، تماشا کردن و گوش دادن به آنها نیز حرام است.

۵- ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند، که هم برنامه‌های حلال دارند و هم حرام، حکم ابزار مشترک را دارند. بنابراین، خرید و فروش و نگهداری آن برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است. ولی چون این ابزار زمینه دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان خود کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربر دارد، خرید و نگهداری آنها حرام است؛ مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده حرام نمی‌کند و نگهداری آن در خانه، مفسده‌ای را به دنبال ندارد.

البته در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر

۱- رساله اجوبه الاستفتانات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۲- رساله اجوبه الاستفتانات، ص ۲۵۹ تا ۲۶۶

دارد، اولویت دارد و لازم الاجرا است.^۱

۶- موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. این گونه موسیقی ها به سبب ویژگی هایی که دارند، انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی بندوباری و گناه سوق می دهند.

۷- به کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیر لهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا برای اجرای برنامه های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد، به شرط این که مستلزم مفاسد دیگری نباشد.

۸- شرکت در جشن های شادی، مانند جشن عروسی، در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد؛ همچنین فیلم برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است اما فیلم برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی کنند، حرام است.

۹- اگر مؤلف یا ناشر یا تولید کننده فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن، بدون اجازه صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.



ج) روابط با بیگانگان

۱- اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.^۲

۲- هر نوع تجارتي که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می برند، حرام است. اگر این قبیل کالا در فروشگاه های کشورهای اسلامی باشد، خرید آنها بر مسلمانان حرام است.^۳

۱- خوب است توجه کنیم که حکومت اسلامی همان گونه که در قبال بهداشت جسمانی جامعه مسئول است و صرفاً به توصیه های بهداشتی بسنده نمی کند، بلکه چون ممکن است برخی از روی ناآگاهی یا برای سوء استفاده، خوراکی های فاسد در جامعه توزیع کنند، قوانین الزام آوری برای حفظ بهداشت جامعه تصویب و با متخلفان برخورد قانونی می کند، در قبال بهداشت روح و روان جامعه نیز مسئول است و نمی تواند به توصیه های اخلاقی بسنده کند. در همین راستا، با توجه به این که متأسفانه اغلب کاربردهای ماهواره در راستای مسائل مفسده آمیز می باشد و افراد جامعه به دلیل غفلت یا سایر عوامل به این نوع استفاده ها اقدام می کنند، مجلس شورای اسلامی در مصوبه ای در ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره را ممنوع کرد و فقط اجازه داد برخی از سازمان ها با کسب مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حق استفاده از تجهیزات مذکور را داشته باشند.

۲ و ۳- رساله اجوبه الاستفانات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

۳- خرید و پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، حرام است.^۱

۴- معمولاً مدهایی که در غرب پیدا می‌شود، در بردارنده پیامی منفی یا ترویج‌دهنده یک گروه غیراخلاقی است. به طور کلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به دنبال دارد، حرام است.

۱- رساله اجوبة الاستفتائات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۷



الف) نگاهی کوتاه به تمدن اسلامی



۱- مختصری از اوضاع فرهنگی پیش از اسلام

امیرمؤمنان علی علیه السلام از آن ایام این گونه یاد می کند :
«خداوند رسول خویش، محمد صلی الله علیه و آله را زمانی فرستاد که مدتی از پیامبران پیشین می گذشت. ملت ها در خوابی عمیق فرورفته و فتنه و فساد، جهان را فراگرفته بود. رشته ها از هم گسیخته و آتش جنگ، زبانه می کشید.^۱
مردم آن زمانه، مذاهب پراکنده و خواسته های متناقض و روش های متفاوت داشتند. برخی خدا را شبیه سایر مخلوقات می دانستند و برخی نیز غیر او را پرستش می کردند.^۲
مردم از شیطان اطاعت می کردند و در راه او گام برمی داشتند و از آبشخور او می نوشیدند. علم های شیطان توسط این مردم به حرکت درآمده و پرچمش در فتنه هایی که شیطان، مردم را از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۹

۲- همان، خطبه ۱

طریق آن زیر پاهایش می کوفت و زیر سم هایش لگدمال می کرد، برا فراشته شده بود.^۱ شما مردم در آن زمان بدترین کیش و آیین را داشتید. در میان سنگ‌های سخت و مراهای زهرآلود زندگی می کردید، آب تیره می نوشیدید، غذای ناگوار می خوردید، خون یکدیگر را می ریختید و از خویشان می بریدید. بت‌ها در میان شما جای داشت و گناه، شما را فرا گرفته بود.^۲

بسیاری از مردم، داشتن دختر را ننگ می شمردند و وقتی به آنها خبر می دادند که خداوند دختری به آنها بخشیده، ناراحت می شدند^۳ و حتی برخی، دختران خود را زنده به گور می کردند^۴. و اگر پدری دخترش را زنده می گذاشت، مرگ زودرس او را سعادت برای خود می شمرد^۵. در داخل قبایل، غارت اموال، دزدی، برده‌داری، قمار، ربا و داد و ستدهای نادرست رواج داشت. کعبه مرکز بت‌های مختلف شده بود و شماره بت‌ها به ۳۶۰ می رسید. بسیاری نیز به پرستش ارواح و ماه و ستارگان مشغول بودند.

خارج از شبه جزیره عربستان نیز، جهان آن روز آمیزه‌ای از تهی دستی، شلاق خوردن و سوختن محرومان، اندیشه‌های خشکیده و غرض‌آلود کشیشان و کاهنان و موبدان و تجمل پرستی درباریان بود. خسرو پرویز، پادشاه ایران در زمان طلوع اسلام خود را آدمی فناپذیر از میان خدایان و خدایی بسیار جلیل در میان مردمان می شمرد^۶. در پادشاهی ساسانی حدود یک درصد کل جمعیت آن روز ایران، همه چیز را در اختیار داشتند و بیش از ۹۸ درصد مردم چون بردگان از حقوق اولیه و اساسی خویش محروم بودند.^۷



امپراتوری روم با استبداد اداره می شد و مسیحیت تحریف شده را مبنای حکومتی ساخته بود. تبعیضات نژادی، انحطاط اخلاقی، تشکیلات اداری پیچیده و جنگ‌های طولانی مدت و پی در پی این امپراتوری را به افول کشانده بود. مردم به چهار طبقه اشراف، شوالیه‌ها، طبقه متوسط و بردگان تقسیم می شدند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲

۲- همان، خطبه ۲۶

۳- سوره نحل، ۵۸

۴- سوره تکویر، ۸ و ۹

۵- دایرة المعارف تشیع، ج ۵، ص ۲۸۱

۶- ایرانیان در زمان ساسانیان، کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۴۸

۷- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، صص ۱۱-۱۰ (سرزمین ایران در دوره ساسانیان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای

جهان بود و قلمرو بسیار وسیعی را دربر می گرفت، جمعیت آن هم بسیار زیاد بود.)

۲- گزارشی از تلاش مسلمانان صدر اسلام برای تحقق معیارها

الف) دربارهٔ معیار چهارم

در جامعه‌ای با آن فرهنگ منحط، پیامبر خدا ﷺ با رفتار و عمل خود بسیاری از سنت‌های جاهلی را نابود ساخت. رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه علیها السلام برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. او پیامبری بود که پسری برایش نمانده بود و فقط چهار دختر داشت که کوچکترین آنها فاطمه علیها السلام بود. از این رو، برخی از اعراب، پیامبر صلی الله علیه و آله را «ابتر» (بی‌دنباله) صدا می‌کردند تا تحقیرش نمایند. اما این پدر بزرگوار، همراه با دختر خردسالش، رسالت تغییر و انقلاب در نگرش انسان‌ها را برعهده گرفتند. فاطمه زهرا علیها السلام «کوثر» لقب گرفت و پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله چشمه سار همیشه جاری خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعه اسلامی شد. قبل از او نیز، حضرت خدیجه علیها السلام کنار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ایستاد و پشتیبانی صمیمی برای وی بود؛ ثروت فراوان و شخصیت اجتماعی خود را فدای جهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و نقش ممتاز خود را در شکل‌گیری بزرگترین تحول جهانی ایفا نمود.

به تدریج، رفتارهای پیامبر و دخترش جهت احیای ارزش‌های فراموش شدهٔ انسانی به بار نشست و فروریختن سنت‌های جاهلی آغاز شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله سه دختر دیگر هم داشت که هر سه، قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بودند. بدین ترتیب، تنها فرزندی که از پیامبر باقی ماند، یک دختر بود: حضرت فاطمه علیها السلام. او وارث و ترویج‌کنندهٔ همهٔ مفاخر و ارزش‌هایی شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارمغان آورده و پیامبران بزرگ الهی همچون نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام برای آنها مبعوث شده بودند.

خانهٔ فاطمه علیها السلام و خانهٔ پدر کنار یکدیگر بود. این خانه را یک خلوت دو متری از هم جدا و دو پنجرهٔ روبه‌روی هم، خانهٔ پدر و دختر را به یکدیگر متصل می‌کرد. هر صبح پدر دریاچهٔ پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، به سوی منزل فاطمه علیها السلام می‌رفت، در می‌زد و با او خداحافظی می‌کرد. هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه علیها السلام اولین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.

مورخان گواهی داده‌اند که این پدر همواره دست دخترش را می‌بوسید و دربارهٔ او

می‌فرمود:

— بهترین زنان جهان چهار تن‌اند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام

— خداوند از خشنودیش خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.
— خشنودی فاطمه خشنودی من است و خشم فاطمه خشم من.
— فاطمه پاره‌ای از تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است.

حضرت زهرا علیها السلام پس از درگذشت حضرت خدیجه، در همان خردسالی همراه پدر سختی‌های دوران بعثت را با شکیبایی تحمل کرد و با دست‌های کوچک خود نوازشگر پدر بزرگوار خود بود. روزی پدر را در مسجد الحرام به باد ناسزاگویی و کتک گرفته بودند، فاطمه خردسال در فاصله‌ای اندک ایستاده بود و می‌نگریست. روزی دیگر در مسجد الحرام، پدر به سجده رفته بود که مخالفان شکمبه گوسفندی را بر سرش انداختند. در این زمان فاطمه علیها السلام خود را به پدر رسانید، آن را برداشت و با دست‌های کوچک و مهربان خود سر و روی پدر را پاک کرد، او را نوازش نمود و به خانه بازگرداند.

در این خانواده، زنان، پا به پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند:

خدیجه علیها السلام حامی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله،

فاطمه علیها السلام همراه پدر و حامی بزرگ علی علیه السلام،

و زینب علیها السلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

این‌گونه بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان با رفتار خود عقاید و رسوم جاهلیت را باطل کردند و ارزش حقیقی زن را تبیین نمودند.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین پیام‌آموزند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ایزاری به او، و یا به معنی هوسرانی و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

(ب) دربارهٔ معیار هفتم

۱- روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد مدینه شد، چشمش به دو گروه افتاد. یک دسته مشغول عبادت و ذکر، و دسته دیگر به درس و آموزش مشغول بودند. هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آنها خرسند شد. به همراهان خویش رو کرد و فرمود: «هر دو دسته کار نیک می‌کنند و راه خیر و سعادت می‌بیمایند.» سپس جمله‌ای اضافه کرد: «اما من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده‌ام.» آنگاه به طرف دسته‌ای که به تعلیم و تعلم اشتغال داشتند حرکت

کرد و در حلقه آنها نشست.^۱

۲- رسول مکرّم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یکی از روزها به یارانش فرمود: «کسی که دوست می‌دارد نگاهش به چهره کسانی افتد که از آتش دوزخ در امانند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم (نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر)، به خانه عالمی رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک ساله عابد برای او منظور می‌گردد. و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. بر روی زمین که راه می‌رود، زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند...»^۲

۳- امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام حدیثی مفصل در ارزش علم از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «اگر آموختن دانش با هدف الهی همراه باشد، کار نیک (حسنة) تلقی می‌شود. علم آموزی، عبادت است و مذاکره علمی، تسبیح و تقدیس پروردگار. و عمل و رفتار هماهنگ با علم، جهاد در راه خداست...»

فرشتگان، شیفته دوستی با دانشمندان اند و با بال و پرشان آنان را نوازش کرده و با درود و تحیات خویش به آنان تهنیت می‌گویند...»^۳

۴- امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام، که نهج البلاغه اش نشان خردورزی و احترام به تفکر و تعقل است، فرمودند: «ای مردم! هشیار باشید که کمال دین داری دانش آموختن و عمل بر مبنای علم است.» و سپس فرمودند: «منزلت عالم و دانشمند، والاتر از کسی است که با کوشش، روزها را به روزه می‌گذراند و شب‌ها را به عبادت سپری می‌سازد.»^۴ «اگر مرگ عالم و دانشمندی فرا رسد، شکستی در اسلام پدید می‌آید که جز به وسیله دانشمندی دیگر قابل جبران نیست.»^۵

۵- به این داستان زیبا توجه کنید که هم بیانگر منزلت علمی و بینش روشن حضرت فاطمه زهرا، عَلَيْهَا السَّلَام، است و هم توجه به معرفت و تفکر را نشان می‌دهد:

زنی نزد ایشان آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد. اما چون بیمار

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید ثانی، نگارش سیدمحمدباقر حجتی، ص ۵۵

۲- همان، ص ۴۶ تا ۴۸ و ۵۴

۳- همان، ص ۶۰

۴ و ۵- الکافی، ج ۱، ص ۳۵

است، مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیها السلام به پرسش آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا، علیها السلام، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را بیان می‌فرمود تا تعداد مسأله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقه کبری، علیها السلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتی بر او ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» و سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟» پاسخ داد: خیر.

فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصلهٔ میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»^۱

آری تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان ما سبب علاقهٔ مسلمانان به علم و دانش شد، به‌طوری که توجه نیاکان ما به اندیشه و تفکر و ارزشمندی آن غیر قابل انکار است.

نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را به پانصد شاخه برسانند^۲. شوق و علاقهٔ آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند^۳، در آن روزگار، دانشجویان اروپایی برای تحصیل به دانشگاه‌های اسلامی می‌شتافتند و پادشاهان آنان، برای معالجه به بیمارستان‌های مسلمانان مراجعه می‌کردند.



از بزرگ‌ترین دانشمندان این عصر ابن‌سینا بود که به حق، آثار وی یکی از عوامل اصلی تحول اندیشه در اروپا و توجه بیشتر اروپاییان به تفکر فلسفی و دانش تجربی محسوب می‌شود.

کتاب «شفا»ی ایشان یک دایرة‌المعارف در منطق، ریاضیات، علوم

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، سیدمحمدباقر حجتی، ص ۷۴

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج ۳، ص ۲۶۴

۳- فجرالاسلام، ج ۱، ص ۱۴۲

طبیعی و فلسفه است و بخش فلسفی آن هنوز هم از مهم ترین کتاب های فلسفی جهان محسوب می شود.



ملاصدرا، فیلسوف بزرگ اسلامی درباره هماهنگی میان دین و تفکر عقلی می گوید: «نمی شود قوانین این دین بر حق الهی که چون خورشید، روشن و درخشان است، با دانش استدلالی یقینی مخالفت داشته باشد، و مرده باد آن فلسفه ای که قوانینش با کتاب قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام مطابقت نداشته باشد.»^۱

در امور مربوط به بهداشت و سلامتی، وضع مسلمانان بسیار درخشان است؛ اگر شرایط قبل از اسلام را در نظر بگیریم و اوضاع همان دوره در اروپا را که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند مورد توجه قرار دهیم، درمی یابیم که چگونه دستورات ساده ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان^۲، دنیای اسلام را متحول کرد.

یکی از ویژگی های فرهنگ علمی دوره اسلامی عدم اختصاص علم به طبقه یا قشری خاص بود. در همان زمان رسول خدا ﷺ زنان به حضور ایشان می رسیدند و سؤال های علمی خود را طرح می کردند. حضرت فاطمه علیها السلام یک کلاس علمی تشکیل داده بود و زنان مدینه برای علم آموزی در آن شرکت می کردند. برخی از همسران رسول خدا ﷺ نیز جزو راویان حدیث به شمار می روند.

نیاکان ما در هر شهری، ابتدا به ساختن مسجد و آموزشگاه اقدام می کردند.^۳ یکی از نویسندگان اروپایی می گوید: فرهنگی در دنیای اسلام پدید آمده بود که حتی پایین ترین و معمولی ترین افراد تشنه خواندن بودند و گاهی کارگران به غذای کم و جامه کهنه قناعت می کردند برای این که بتوانند با پول خود کتاب بخرند.^۴

با این که در آن زمان صنعت چاپ اختراع نشده بود، در کشورهای اسلامی به حد کافی کتاب و کتابخانه وجود داشت. دانشگاه بیت الحکمه در بغداد با ۴/۰۰۰/۰۰۰ جلد،

۱- الاسفار الاربعه، ج ۸، ص ۲۰۳

۲- برخی از این دستورات در مجموعه هایی مانند «طب الصادق» و «طب الرضا» گردآوری شده اند.

۳- تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون فرانسوی، ص ۵۵۷ و ۵۵۸

۴- عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۱۷۰

کتابخانه طرابلس در شام با ۳/۰۰۰/۰۰۰ جلد، کتابخانه سلطنتی قاهره با ۱/۰۰۰/۰۰۰ جلد، رصدخانه مراغه با ۴۰۰/۰۰۰ جلد، دارالحکمة قرطبه در اندلس (کوردوبای فعلی در اسپانیا) با ۴۰۰/۰۰۰ جلد، دارالکتب ری با ۳۰۰/۰۰۰ و کتابخانه سیدمرتضی با ۸۰/۰۰۰ جلد از جمله کتابخانه‌هایی هستند که تعداد کتاب‌های آنها ثبت شده است.^۱

علاوه بر مدرسه‌های کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف دنیای اسلام، دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه قاهره، بغداد، قسطنطنیه، قرطبه، اسکندریه و جندی شاپور، با بهترین امکانات تحقیق و مطالعه، پذیرای دانشجویان از نقاط مختلف دنیا بود. در این دانشگاه‌ها رشته‌های مختلف علمی تدریس می‌شد و امکاناتی از قبیل لباس، مسکن، کتاب، بهداشت و حتی کاغذ و قلم مجانی در اختیار دانشجویان قرار می‌گرفت. دانشگاه مستنصریه، ساختمانی بسیار باشکوه داشت و دارای چهار مدرسه بود. علاوه بر حقوق ماهیانه استادان، به هر شاگرد ماهیانه یک دینار طلا داده می‌شد. آشپزخانه دانشگاه به همه استادان و شاگردان روزانه مقدار معینی نان و گوشت می‌داد. دانشگاه، حمام و بیمارستان مخصوص داشت و پزشک بیمارستان، هر صبح، دانشگاه را بازدید می‌کرد و برای بیماران نسخه می‌نوشت.^۲

یکی از دانشمندان بزرگ در این دوره ابونصر فارابی^۳ است که به معلم ثانی مشهور است^۴، وی بسیاری از زبان‌های زنده عصر خود را می‌دانست و حدود صد کتاب و رساله تألیف کرده که چهل و چهار جلد از آنها باقی مانده است.^۵ او را به حق می‌توان مؤسس فلسفه اسلامی نامید. شیخ الرئیس ابوعلی سینا^۶، معروف‌ترین دانشمند جهان اسلام است که از او به نابغه شرق یاد می‌کنند. وی با این که بیش از ۵۸ سال عمر نکرد و زندگی سیاسی پرفراز و نشیبی داشت، ۲۴۲ جلد کتاب و رساله نوشته است. تألیفات او در حوزه‌های مختلف، از جمله فقه، منطق، فلسفه، طب، عرفان، ریاضیات و داروشناسی می‌باشد. اندیشه‌های ابن‌سینا در زمان خودش به سرعت در دنیای اسلام گسترش یافت و چندی نگذشت که کتاب‌های اصلی وی به زبان لاتین

۱- تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۳۱۸؛ و عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۴۲۸

۲- بغداد در زمان خلفای عباسی، جی لو استراتز، چاپ آکسفورد، ص ۲۶۷ (به نقل از میراث اسلام، ص ۲۳۰)

۳- وی در سال ۲۶۰ هجری در فاراب واقع در خراسان بزرگ متولد شد و در سال ۳۳۹ هجری در دمشق وفات یافت.

۴- معلم اول، لقب ارسطو، فیلسوف بزرگ یونانی است که در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیسته است.

۵- تاریخ فلسفه اسلامی، هانزی کربن، ص ۲۰۰؛ و تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۷۳

۶- وی در سال ۳۷۰ هجری در نزدیک بخارا متولد شد و در سال ۴۲۸ هجری در همدان وفات یافت.

ترجمه شد و در مدارس اروپا تدریس گردید^۱.

در ریاضیات، مسلمانان آثار دانشمندان بزرگ ریاضی مانند اقلیدس و بطلمیوس را ترجمه کردند و سپس شروع به نوآوری نمودند. هیچ کس در تاریخ ریاضی نمی تواند شخصیت استثنایی محمد بن موسی خوارزمی (۲۳۶-۱۶۶ ه.ق) را نادیده بگیرد. او معاصر مأمون خلیفه عباسی و رئیس کتابخانه بزرگ بغداد بود. وی علم «جبر» را به عنوان یک علم مستقل تأسیس کرد. نام کتاب وی «الجبر و المقابله» بود که وقتی این کتاب به اروپا رفت، اروپائیان براساس نام این کتاب، علم جبر را «Algebra» نامیدند. همچنین الگوریتم یا «Algorithm» یا الگوریسم که فن محاسبه است، از نام «الخوارزمی» گرفته شده که پس از ترجمه کتاب وی به زبان های اروپایی این نام گذاری پدید آمده است^۲. علاوه بر این، ریاضی دانان بزرگ اسلامی، مانند ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۶۲ ه.ق)، خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ه.ق)، ابوالوفای بوزجانی (۳۸۸-۳۲۸ ه.ق) و غیاث الدین جمشید کاشانی (از علمای قرن هفتم و اوایل قرن هشتم) ابتکارات فراوانی در معادله سرعت، علم مثلثات، حل معادلات درجه دوم، سوم و چهارم، اندازه دقیق عدد پی، و در هندسه تحلیلی و هندسه فضایی داشتند^۳.

در حوزه پزشکی و دارویی نیز دانشمندان نامداری ظهور کردند که شهرت جهانی دارند؛ محمد بن زکریای رازی یکی از دانشمندان بزرگ این دوره است که ۲۲ جلد کتاب و رساله نوشته و نیمی از آنها در طب بوده است. کتاب های وی در آبله و سرخک، بیانگر دقت علمی اوست و بیش از چهل بار به زبان های گوناگون ترجمه شده است. «الحاوی» کتاب دیگر اوست که ۲۰ جلد بوده و محصول یک عمر پژوهش و آزمایش است و تنها در سال ۱۵۴۲ میلادی پنج بار در اروپا منتشر شد^۴. وی کتابی نیز در روان پزشکی به نام «الطب الروحانی» دارد.

در اوایل قرن چهارم هجری تنها در شهر بغداد ۸۵ پزشک دارای اجازه درمان



۱- تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ص ۲۱۴

۲- دانش مسلمین، محمد رضا حکیمی، ص ۱۵۰

۳- همان، ص ۱۴۸ تا ۱۵۴

۴- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۵۹

بودند^۱ و تعداد دانشجویان پزشکی دانشگاه بغداد بالغ بر ۶۰۰۰ نفر بوده است. پزشکی، شامل رشته‌هایی مانند پزشکی عمومی، چشم‌پزشکی، جراحی، مامایی، پزشکی زنان و اعصاب و روان بوده است^۲.

مسلمانان با استفاده از تجربه ایرانیان شروع به ساختن بیمارستان برای بیماران جسمی و روانی کردند. اولین بیمارستان در سال ۸۸ هجری در دمشق ساخته شد که به تدریج به یکی از مراکز بزرگ درمانی تبدیل شد. بیمارستان‌ها دارای بخش‌های مختلف جراحی، چشم‌پزشکی، داروسازی، دندان‌پزشکی، پزشکی زنان و روان‌پزشکی بودند و معمولاً بخش‌های زنانه و مردانه جداگانه‌ای داشتند.



بوعلی سینا تا مدت‌ها در شرق و غرب با نام امیر پزشکان شناخته می‌شد. مهم‌ترین کتاب وی در طب، کتاب «قانون» است که فرهنگ جامعی در پزشکی و داروشناسی است. این کتاب در اروپا در اواخر قرن پانزدهم میلادی شازده بار، و در قرن شانزدهم بیست بار، و در سال‌های بعد نیز به طور مرتب منتشر شده است^۳. کتاب‌های بوعلی به اکثر زبان‌های زنده دنیا ترجمه شد و تا شش قرن، اصل و مبنای پزشکی جهان بوده است و تا مدتی پیش نیز، از کتاب‌های درسی فرانسه به‌شمار می‌رفت^۴. در دانشگاه پاریس، دو تصویر رنگی از دو طبیب دنیای اسلام آویخته‌اند: محمد بن زکریای رازی و شیخ‌الرئیس ابن‌سینا^۵.

ابن سینا اولین کسی بود که فلج صورت ناشی از سکته مغزی را تشخیص و سکته مغزی ناشی از زیادی خون در مغز را به خوبی توضیح داد. مسری بودن سل ریوی را تبیین کرد، انتقال بیماری‌ها از طریق آب و خاک را بیان داشت و عوارض سنگ مثانه را به گونه‌ای توصیف کرد که برخی از پزشکان گفته‌اند مشکل است بتوان به آن چیزی اضافه کرد. وی روش روان‌درمانی

۱- همان، ص ۱۵۸

۲- تاریخ تمدن اسلام، ج ۳، ص ۲۷۶

۳- میراث اسلام، ص ۱۱۶

۴- تمدن اسلام و عرب، گوستاو لوبون فرانسوی، ص ۶۳۳

۵- تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۱، ص ۱۵۹

را توسعه داد و از داروهای طبی برای این گونه درمان‌ها کمک گرفت.^۱

جراحی از رشته‌های مهم پزشکی بود. جراحان چشم‌پزشک با مهارت، انواع آب‌آوردگی چشم را با عمل جراحی معالجه می‌کردند.^۲ حتی داروی بیهوشی که از اکتشافات جدید شمرده می‌شود، بر جراحان اسلامی پوشیده نبود. آنان با دارویی گیاهی بیماران را بیهوش می‌کردند.^۳ ابوالقسیس جراح ماهری بود که رساله‌های او را باید اساس جراحی جدید به حساب آورد. کتاب‌های وی تا یک قرن پیش بارها در اروپا چاپ شده است.^۴ جراحان مسلمان، انواع عملیات، مانند جراحی دندان، خُرد کردن و بیرون آوردن سنگ مثانه و کلیه، سزارین در هنگام وضع حمل و شکسته‌بندی استخوان‌ها را انجام می‌دادند.^۵

از ویژگی‌های بیمارستان‌ها این بود که پزشکی و داروسازی در همان محل بیمارستان تدریس می‌شد و شاگردان تمرین عملی داشتند.^۶ بیمارستان‌ها بسیار وسیع بودند و در مسیر جریان ملایم هوا قرار داشتند. وقتی که محمدزکریای رازی خواست بهترین نقطه بغداد را برای بیمارستان انتخاب کند، چند نقطه شهر را انتخاب کرد و در هر نقطه، قطعه گوشتی آویزان نمود تا تشخیص دهد در کدام نقطه، گوشت دیرتر فاسد می‌شود و در آن نقطه بیمارستان را بنا نمود.^۷ در قاهره بیمارستان بزرگی ساخته بودند که در آن حوض‌هایی با فواره‌های آب، باغچه‌های پر از گل و چهار حیاط بزرگ وجود داشت. هر بیمار فقیری که وارد می‌شد، به‌طور رایگان تحت معالجه قرار می‌گرفت و پس از معالجه، پنج سکه طلا برای هزینه زندگی در دوره بیهودی دریافت می‌کرد.^۸

تلاش علمی مسلمانان، دیگر حوزه‌های علوم تجربی را نیز در بر می‌گرفت. از آن‌جا که در این‌جا امکان طرح همه آنها نیست، به اختصار فقط به برخی از تلاش‌های دانشمندان در رشته‌های دیگر اشاره می‌کنیم:

۱- فلاسفه شیعه، ص ۹۳ و ۹۴

۲- کارنامه اسلام، ص ۴۶ تا ۵۲

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۷

۴- میراث اسلام، ژوزف ماک‌کاپ، ص ۱۱۷

۵- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۴

۶- تاریخ تمدن اسلام، ج ۲، ص ۲۸۴

۷- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۳۵؛ و کارنامه اسلام، ص ۵۳

۸- میراث اسلام، ژوزف ماک‌کاپ، ص ۱۲۳

یکی از دانشمندان به نام ادیسی،^۱ ۲۹ جلد کتاب نوشته که ۵۰ جلد آن در گیاه‌شناسی بوده است.^۱

یک دانشمند اروپایی می‌گوید: این که در کتاب‌های شیمی می‌نویسند لاوازیه مؤسس علم شیمی است، درست نیست. اگر آزمایشگاه‌های هزار سال پیش مسلمانان و اکتشافات مهم آنان نبود، هیچ‌گاه لاوازیه نمی‌توانست قدمی به جلو بردارد.^۲ هنوز حدود صد رساله در شیمی از جابر بن حیان در دست است.^۳ پیش از آن که گالیله حرکت زمین به دور خورشید را اعلام کند، ابوریحان بیرونی و پیش از وی ابوسعید سجزی این عقیده را ابراز کرده بودند.^۴ مسلمانان راه‌های تازه‌ای برای رصد ستارگان پیدا کردند و ابزارهای بسیاری برای آن ساختند. نخستین تحوّل‌ی که تمدن اسلامی در این علم پدید آورد آن بود که مسلمانان به موهومات مربوط به ستاره‌شناسی و تأثیر اوضاع کواکب در احوال مردم، از حیث سعد و نحس اعتنایی نکردند.^۵ آری، چنین است؛ آنگاه که ملتی قدر علم، فرهنگ، اخلاق و ارزش‌های دینی خود را بداند و با جان و دل، آنها را ارجمند شمارد، درخت علم و معرفت و اخلاق شکوفا می‌شود و ثمرات گرانبهای آن به جامعه انسانی می‌رسد.

در حوزه علوم و معارف قرآنی نیز باید گفت



مسلمانان از همان ابتدا، تشنهٔ آموختن قرآن کریم و تبیین معارف آن بودند. به همین دلیل، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ معنا و مقصود و محتوای آیات سؤال می‌کردند. ساختار قرآن کریم نیز خود به گونه‌ای است که قوهٔ تعقل و

تدبّر در خود را پرورش می‌دهد و خوانندهٔ خود را به تفکر دربارهٔ آیات وامی‌دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سؤال‌های مسلمانان پاسخ می‌داد و آنان را به تفکر بیشتر در آیات قرآن تشویق می‌کرد. این روش، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط حضرت علی رضی الله عنه و سایر پیشوایان ما ادامه یافت تا

۱- عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۱۶۹

۲- تمدن اسلام و عرب، ص ۶۱۱ تا ۶۱۵

۳- میراث اسلام، ص ۱۱۵

۴- فلاسفهٔ شیعه، ص ۱۱۵

۵- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج ۳، ص ۲۸۸ تا ۲۹۴

این که به تدریج شاخه‌ای علمی به نام علم تفسیر قرآن شکل گرفت و مفسران بزرگی در تاریخ اسلام ظهور کردند.

تدوین و جمع‌آوری حدیث نیز نزد مسلمانان اهمیت زیادی داشت. زیرا از نظر مسلمانان، حدیث، دومین منبع هدایت و سعادت بود. امیر مؤمنان علی علیه السلام که از کودکی با رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بود، اولین تنظیم‌کننده کتاب حدیثی است که در آن، سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ثبت شده است. ایشان این کتاب را به فرزندان بزرگوار خود تحویل داد تا به عنوان سندی مهم، نزد خود نگاه‌دارند و احادیث آن را به مردم بیاموزند^۱.

اکنون در میان ما مسلمانان، صدها کتاب حدیثی وجود دارد که سخنان پیشوایان ما در آنها جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است. همچنین از همان ابتدا، علمی به نام حدیث‌شناسی تأسیس شد که شیوه‌های جدا کردن حدیث‌های ساختگی از واقعی و رابطه احادیث با یکدیگر و میزان کاربرد آنها را مشخص می‌کند.

برنارد شاو، نویسنده معروف انگلیسی در این باره می‌گوید: «من همیشه نسبت به دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به واسطه زنده بودن عجیبش نهایت احترام را گذاشته‌ام. به نظر من، اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و متغیر زندگی، و مواجهه با قرون مختلف را دارد.»^۲

ج) درباره معیار هشتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به عدالت در همه ابعاد آن دعوت می‌فرمود که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- عدالت اقتصادی یکی از ابعاد عدالت است که قرآن کریم تفاوت انسان دین‌دار و بی‌دین را در آن دانسته و فرموده است:

أَرَأَيْتَ الَّذِي	آیا دیدی کسی را که
يُكَذِّبُ بِالْدينِ	روز جزا را دروغ می‌پندارد
فَذَلِكِ الَّذِي	او همان کسی است که

۱- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۴ (خدمات متقابل اسلام و ایران)، ص ۱۱۳

۲- برنارد شاو (به نقل از کتاب خداپرستی و افکار روز، مهدی بازرگان)

يَدْعُ الْيَتِيمَ
وَلَا يَحْضُ
عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ

ماعون ۱ تا ۳

یتیم را به شدت (از خود) می راند
و (دیگران را) ترغیب نمی کند
به خوراک دادن به بینوا

۲- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراه با یاران از کوجه‌های مدینه می گذشت. پیرزنی که کناری ایستاده بود، جلو آمد تا نیاز خود را با پیامبر در میان گذارد. پیرزن به خیال این که با امیر و سلطانی مانند امیران گذشته روبه‌رو شده به لکنت افتاد و توانست سخن بگوید. پیامبر با مهربانی در کنار او روی زمین نشست و چنان با صمیمیت با او رفتار کرد که او احساس راحتی کرد و آنچه در دل داشت با پیامبر در میان گذاشت.

۳- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم می فرمود:

«برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»^۱

۴- روزی امیرالمؤمنین علی عَلِيٌّ در حال عبور از کوجه‌ها، پیرمردی نابینا و از کار افتاده را دید که در گوشه‌ای نشسته و از مردم کمک می خواست. امام، از اوضاع وی پرسید. گفتند مردی است مسیحی که در ایام جوانی و صحت بدن کار می کرده و اکنون از کار افتاده و نابینا شده و گدایی می کند.

امام، عَلِيٌّ فرمود: «عجب، تا وقتی توانایی داشت از او کار کشیدید و اکنون او را به حال خود واگذاشته‌اید؟ ... برعهده حکومت و اجتماع است که تا زنده است، او را سرپرستی کند؛ بروید از بیت‌المال به او مستمری بدهید.»^۲

۵- روزی سلمان فارسی و جمعی دیگر از یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد نشستند. هرکس درباره اصل و نسب خود چیزی می گفت و فخرفروشی می کرد. نوبت به سلمان رسید. گفتند: تو نیز از اصل و نسب خود بگو.

گفت: «من، سلمان، فرزند بنده خدایم. گمراه بودم، خداوند به وسیله رسولش، محمد، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هدایتم کرد. برده بودم، به وسیله پیامبرش محمد، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آزادی‌ام بخشید.

۱- میزان الحکمة، ج ۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنز العمال، حدیث ۴۳۵۸۸

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۵

در این میان رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وارد شدند و گزارشی از جلسه به ایشان داده شد. رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رو به آن جمع که همه از قریش بودند، نمود و فرمود:

«ای مردم قریش، نَسَبِ موجب افتخار برای هرکس، دینش، مردانگیش، و خُلق و خوی اوست، و ریشه و اصلش، عقل او.»

۶- رستم فرخ‌زاد، فرماندهٔ سپاه یزدگرد، آخرین شاه ساسانی، در راه جنگ با مسلمانان بود. وی که مردی جهان‌دیده و با تجربه بود، در قادسیه با طلاپه‌داران سپاه مسلمانان برخورد کرد. شب هنگام، سوار بر اسب، روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود این که لشکر مسلمانان از نظر عده و تجهیزات اندک بودند، در قلب خویش اضطراب عجیبی احساس می‌کرد. از تپه فرود آمد و پیکی سوی زهره‌بن عبدالله، فرماندهٔ آن لشکر، فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم پرسید: دربارهٔ دین خود سخن بگوی.

جواب داد: پایهٔ آن دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

رستم گفت: این که عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

زهره ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.^۱

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟

زهره گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر

یکدیگرند.

رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما این‌ها را بپذیریم، شما باز خواهید

گشت؟

پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر

برای تجارت.

رستم گفت: راست می‌گویی، اما در میان ما مردم ایران، سنتی از زمان اردشیر رایج شده

که با دین شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقهٔ بالاتر روند و از امتیازات آن

برخوردار شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند

کرد و با اعیان و اشراف به ستیز برخوانند خواست.

زهره گفت: پس ما برای مردم بهتر از دیگر حکومت‌ها هستیم. ما نمی‌توانیم مثل شما

باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات رعایت کنیم. همه مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابند.^۱

یک نکته: با این که رسول خدا ﷺ عدل و مساوات را اساس زندگی سیاسی و روابط اجتماعی قرار داده، و با رفتار و گفتار خود، به مردم آموخته بود که حاکم و رهبر مسلمین باید بر مبنای قانون الهی و بدون هیچ گونه ستمگری عمل کند. اما زمان کوتاهی پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، شرایط دگرگون شد؛ حاکمان بنی امیه و بنی عباس، که خود را جانشین رسول خدا ﷺ می‌دانستند، شیوه سلاطین ایران و روم را در پیش گرفتند و حکومت‌هایی خودکامه و مستبد تشکیل دادند. توجه آنان به مردم کاهش یافت، چاپلوسان گرد آنان جمع شدند، و حق جویان و عدالت‌پیشگان منزوی گردیدند و یا در مبارزه علیه ستمگران به شهادت رسیدند.

با وجود این، به علت آموزش‌های مؤثر قرآن کریم، رسول خدا ﷺ، اهل بیت بزرگوار و یاران با وفای ایشان، و افزایش آگاهی‌های مردم، ستمگران ناچار بودند برخی ظواهر را مراعات کنند. یزید که می‌خواست حتی این ظاهرسازی را هم زیر پا گذارد، با قیام تاریخی امام حسین علیه السلام مواجه شد. این قیام بزرگ، با تأثیر عمیق خود ابتدا پایه‌های حکومت یزید و بنی‌امیه را ویران کرد و سپس به مدرسه‌ای دائمی تبدیل شد تا مسلمانان در آن مدرسه، درس جهاد با ستمگران را بیاموزند.

حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس هیچ‌گاه از انتقاد، اعتراض و مبارزه آگاهان و اندیشمندان جامعه و در رأس آنان اهل بیت پیامبر ﷺ در امان نبودند.

نتیجه این که: تا قبل از ظهور اسلام، مبارزات سیاسی معمولاً میان پادشاهان، سلاطین و رؤسای قبایل برای فتح قلمروی یکدیگر پدید می‌آمد. اما در دوره اسلامی، به علت افزایش آگاهی‌های مردم از حقوق و مسئولیت‌های خویش، مبارزه مردم با حکومت برای برقراری عدالت شکل می‌گرفت و وارد معادلات سیاسی میان ملت‌ها و حکومت‌ها گردیده بود.^۲

تأثیرگذاری شهادت امام حسین علیه السلام و مقاومت سایر ائمه اطهار علیهم السلام به صورت یک جریان مقاومت منفی بزرگ و سراسری در برابر حکومت‌های ظالم درآمد. رفتار مجموعه

۱- کامل این اثر، ج ۲، ص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان)

۲- قیام علیه ظلم، قبلاً هم اتفاق افتاده بود، مانند قیام کاوه آهنگر علیه ضحاک (البته اگر آن قیام افسانه نباشد). اما این که این گونه قیام‌ها و مبارزات به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شود و جامعه بدان توجه داشته باشد، حقیقتی است که در دوره تمدن اسلامی به وقوع پیوست.

اندیشمندان و بزرگان علمی جهان اسلام نشان می‌دهد که تا چه اندازه تحت تأثیر فرهنگ عاشورا بوده‌اند.

ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی، در اواخر حکومت بنی‌امیه از طرف والی عراق به احراز عالی‌ترین مقام قضایی دعوت می‌شود ولی او قاطعانه رد می‌کند و به‌خاطر همین عمل شلاق می‌خورد. در زمان منصور، خلیفه عباسی نیز برای وزارت دادگستری فراخوانده می‌شود، ولی نمی‌پذیرد و تا آخر عمر زندانی می‌شود. مالک، رئیس مذهب مالکی، به‌خاطر این اعتراض به خلفا که با زور و اجبار نمی‌توان بر مردم حکومت کرد، زندانی شد.^۱

همین فرهنگ سیاسی قوی که از تعالیم روح‌بخش اسلام نشأت گرفته بود، حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس را ناچار به ظاهرسازی و مراعات برخی قوانین می‌کرد. آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم، وجود شخصیت‌های اندیشمند در جامعه و طرح مباحث عمیق اجتماعی، فضای سیاسی جهان اسلام را از دیگر کشورهای آن روز کاملاً متمایز می‌کرد.

دو تهاجم بزرگ

در چنین شرایطی و در اواخر دوره بنی‌عباس و پس از آن، دو حمله وسیع و ویران‌کننده، یکی به غرب دنیای اسلام و دیگری به شرق آن صورت گرفت. امپراتوری روم به تحریک کلیسا از سال ۴۸۹ هجری (۱۰۹۶م) به قسمت غربی دنیای اسلام، یعنی سوریه، فلسطین، ترکیه و برخی دیگر از سرزمین‌های مجاور هجوم آورد. این تهاجم آغاز هشت جنگ طولانی و شدید بود که آخرین آن در سال ۶۶۸ هجری (۱۲۷۰م) رخ داد. این جنگ‌ها که به قصد فتح بیت‌المقدس از طرف اروپاییان آغاز شد، بالاخره با فرماندهی بی‌نظیر سردار بزرگ مسلمانان به نام صلاح‌الدین ایوبی با پیروزی مسلمانان پایان یافت؛ اما بسیاری از امکانات مادی و معنوی دنیای اسلام را از بین برد. از آن‌جا که در این جنگ‌ها اروپاییان صلیب با خود حمل می‌کردند، این جنگ‌ها را جنگ‌های صلیبی می‌نامند.



تهاجم ویرانگر دیگر، حمله مغولان به بخش شرقی و مرکزی دنیای اسلام بود که به تصرف قسمت‌های وسیعی از جمله ایران انجامید. با این که مغولان حاکم بر ایران بعداً به وسیله ایرانیان، مسلمان شدند و آداب تمدن آموختند، اما ویرانگری‌های ابتدایی آنان به قدری وسیع و عمیق

بود که توان تجدید حیات را برای مدتی طولانی از مسلمانان گرفت؛ به خصوص که بیشتر این حملات به سرزمین‌ها و شهرهایی بود که مرکز علم، فرهنگ و دانش در دنیای آن روز بودند. چنگیز فرمانروای قوم مغول، به نیروهایش گفته بود به هر شهری که می‌رسند، هیچ کس را باقی نگذارند؛ مرد و زن، پیر و جوان، کودک و بالغ، آزاد و بنده را بکشند.^۱

وقتی او به مسجد جامع شهر بخارا درآمد، بالای منبر رفت و دستور سوزاندن شهر را صادر کرد و سربازانش به سوزاندن شهر مشغول شدند. تمام شهر، به جز مسجد جامع که وی در آن بود، سوخت. آن‌گاه دستور داد صندوق‌های قرآن را به صحن آوردند. قرآن‌ها را پاره کردند و صندوق‌ها را آخور چهارپایان ساختند. سپس کودکان و زنان را کشتند و جوانان را باخود بردند تا به عنوان سیر جلوی سپاه خود قرار دهند و به شهر بعدی که سمرقند بود، حمله کنند.

این ویرانگری‌ها در بسیاری از شهرهای دیگر مانند سمرقند، بلخ، مرو، نیشابور، کابل، غزنین، قوچان، هرات، دامغان، سمنان و آمل اتفاق افتاد و سپس به استان‌های دیگر سرزمین اسلامی کشیده شد.^۲

۱- مجمع‌الانساب، محمدعلی شبانکاره‌ای، ص ۲۲۴

۲- بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۳، ص ۸۰ تا ۸۷